

نگرانی از چیست؟

مدتی است که محافل صنعتی و مالی کشور از تدابیری برای استفاده از امکانات بازارهای جهانی سرمایه صحبت می کنند. شواهدی نیز دال بر وجود یک چنین امکانی قابل رؤیت هستند. به عنوان مثال شرکت ملی پتروشیمی ایران در حال بررسی امکانات فروش سهام و اوراق مشارکت برخی از پروژه هایش در بازارهای بین المللی مالی است. از سوی دیگر، به تازگی شرکت «مودیز» طی گزارشی انتشار اوراق قرضه بین المللی را توسط جمهوری اسلامی ایران ممکن دانسته و اعلام کرده که داده های اقتصادی و سیاسی ایران امکان انتشار این گونه اوراق قرضه را که بر مبنای ارزهای خارجی در بازارهای مالی جهانی معامله شوند، فراهم کرده است.

علیرغم این تحرکات و نیز این که برنامه پنج ساله سوم، برون نگری اقتصادی و استفاده از منابع سرمایه ای خارجی را در زمره اهداف اقتصادی قرار داده است، هنوز نگرانی مسئولان کشوری مانع از طرح گسترده بحث در این زمینه است. آقای نجفی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، طی سخنرانی خود در کنفرانس بین المللی صنعت پتروشیمی در ۲۹ و ۳۰ فروردین امسال یادآور شد که «در پرتو این امر [جهانی شدن اقتصاد]، بازارهای مالی جهانی به سرعت در حال همگرایی و ادغام در یک نظام مالی جهانی هستند و کشورهای در حال توسعه، خواه ناخواه به این فرایند کشیده می شوند، زیرا پیشرفت های همه جانبه ارتباطات و توسعه

بازارهای مالی غیر از این راهی باقی نمی گذارد. گر چه این روند و دستاوردهای مثبتی برای بسیاری از کشورها به دنبال داشته است، اما خطرات ادغام در بازارهای مالی بین المللی را نیز نباید نادیده گرفت. این موضوع به خصوص پس از بحران مالی و اقتصادی اخیر کشورهای جنوب شرقی آسیا که هنوز تبعات آن در منطقه و در جهان احساس می شود، نگرانی های بیشتری را موجب شده است. مسلماً این نگرانی ها که به ویژه از طرف سیاست گذاران ابراز می شود، بی پایه نیست».

در دوره ای نه چندان دور به دلیل مخالفت اکثر نیروهای سیاسی کشور با ادغام شدن اقتصاد ایران در بازارهای جهانی از طریق استفاده از بازار سرمایه بین المللی، بحث نشده ماندن یا به عبارت دقیق تر، در جا زدن مباحثی از این دست در یک سطح ایدئولوژیک لطمه ای به اصل مطلب نمی زد؛ به هر حال قرار نبود که ادغامی صورت گیرد. اما اکنون که گویی این امر پذیرفته شده است که «کشورهای جهان سوم خواه ناخواه به این فرایند کشیده خواهند شد» چرا این بحث را با مثال های عملی و موارد معین و مشخص به بحثی عمومی نمی گذاریم. بحثی عمومی که در آن نه فقط دولت به ابراز نظر شفاف و اعلام موضع دقیق بپردازد، بلکه سایر نهادهای اجتماعی و سیاسی در گیر در این مسائل نیز به اعلام نقطه نظرات خود بپردازند. مسلماً اتخاذ تصمیمی به این اهمیت را نه می توان با «خواه ناخواه کشیده شدن» توجیه کرد و نه با «ابراز نگرانی از تجربه کشورهای جنوب شرقی آسیا» به تعویق انداخت. در این زمینه نیز مانند بسیاری دیگر از حوزه های

بحث اقتصادی که خوشبختانه این روزها آرام آرام از چارچوب تنگ مناقشات ایدئولوژیک خارج می شود، راه حل بهتری از طرح شفاف نیازها و دعوت از کلیه متخصصان برای مشارکت در تهیه برنامه یا برنامه هایی برای هر چه بهتر انجام شدن کار و تعیین معیارهای روشن برای ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت آن وجود ندارد.

بیژن خواجه پور خویی

مکتب ۸۸

و . . . که با اختصاص صفحاتی تحت عنوان «جبهه و جنگ»، «شرح عشق»، «ادب مقاومت»، «هشت فصل عشق»، «فرهنگ مقاومت»، «کتیبه زخم» . . . به صورتی هفتگی یادآور این بحث هستند و نشریاتی تخصصی تر چون **شلمچه** و جانشینش **جبهه** با یک بار سیاسی خاص، و از همه مهم تر دو هفته نامه **کمان** که مشخصاً به ادبیات جنگ و انقلاب اختصاص دارند، ولی **فکه** منتشر می شود چرا که می خواهد «کاری نو و جدید» ارائه دهد (ص ۴۸). **فکه** از وضعیت فعلی نشریاتی که بدین مهم می پردازند راضی نیست؛ مقالات «جنگ اول به از صلح آخر» سردبیر (ص ۴) و مقاله «ختم کلام» مدیر مسئول (ص ۴۸) و شاید از این دو صریح تر مقاله «مجبورم به فکه امیدبیندم» (صص ۸-۹) خود همین این نارضایی است که بیشتر بر مضرات جناحی شدن موضوع جنگ تأکید دارد و خواستار اعاده صدق و خلوصی است اولیه.

نگاهی به تجارب جاری در طرح و بحث موضوع جنگ، دشواری های نهفته در اجتناب از چنین مسیری را نشان می دهد. در واقع جدای از صفحات منظم و هفتگی جراید کثیرالانتشار که در مجموع رویکردی حسب التکلیف و رسمی به این امر یافته اند و یا **شلمچه/جبهه** که یک خط سیاسی خاص را در پیش دارد، تنها نشریه ای که سعی دارد جوانب گسترده تری از جنگ را مد نظر گیرد، مجله **کمان**، «دو هفته نامه ادب و هنر پایداری» است که کماکان به صورتی محدود - فقط در حوزه مشترکین - در آستانه پشت سر گذاشتن سال چهارم انتشار است.

تجربه جنگ، تجربه وسیع و گسترده ای

فکه

«فکه یعنی جبهه میانی، فکه یعنی نزدیک کربلا، فکه یعنی سعی بین شلمچه و عین خوش. فکه یعنی والفجر مقدماتی. . . . فکه یعنی چهارده گردان آماده در لشکر ۲۷ حضرت رسول. . . . فکه یعنی پاسگاه رشیدیه. . . . فکه یعنی یک عملیات ناتمام. . . . فکه یعنی نیمه جنگ. . . (ص ۶).

فکه که شماره اول آن در خرداد ۱۳۷۸ منتشر شد، در عین حال نشریه ای است در تلاش حفظ و بازسازی حال و هوای فوق. نشریه دیگری که قصد دارد با تأکید بر موضوع جنگ «گامی در راه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و نهضت جهانی اسلام بردارد» (ص ۱).

همان گونه که در **فکه** نیز اشاره شده است، هستند جرایدی چون **جمهوری اسلامی**، **اطلاعات**، **کار و کارگر**، **کیهان**، **سلام**، **رسالت**